

تفاوت فطرت و طبیعت، حاکمیت وجود انسان به دست کدام یکی است؟ تقابل دو نگاه فطری و دنیایی در چیست؟

خداوند در ابتدای خلقت از روح خویش در جسم **مادی انسان** دمید.^۱ تمامی اسماء و صفات را به او تعلیم داد^۲ و شایستگی تبدیل شدن به یک خلیفه کامل برای خود را به او اعطا کرد.^۳ به این ترتیب میل و توانایی رسیدن به بهترین کمالات **سرشت** و خمیرمایه وجود **انسان** گردید. **سرشتی** که همان **فطرت** یا خود حقیقی **انسان** بوده و متفاوت از **طبیعت** یا ناخود اوست.

ویژگی‌های **فطرت** مخصوص به خود **انسان** است و با ویژگی‌های مربوط به **طبیعت** که به صورت **ذاتی** و **غریزی** در میان **انسان** و همه جامدات، گیاهان و حیوانات مشترک است، متفاوت است.^۴ در واقع **فطرت** و **طبیعت** برای به دست گرفتن حاکمیت وجود **انسان** دائماً با هم در حال مبارزه هستند. **انسان‌ها** بر اساس گرایشی که به هر یک از این دو دارند، به دو گروه **طبیعت‌گرایان** و **فطرت‌گرایان** تقسیم می‌شوند. هر یک از این دو دسته **انسان** را از منظر خاص خود تعریف کرده و با جهان‌بینی خاص خود به **زندگی**، اهداف، آرزوها و نیازهای او می‌پردازند. منظر و دیدگاهی که قرار است در این مقاله به جنبه‌های مختلف آن بپردازیم.

۱. سوره سجده آیات ۷-۹

۲. سوره بقره، آیه ۳۱

۳. سوره بقره، آیه ۳۰

۴. مانند تغذیه، تولید مثل، حب ریاست، کمک به هم‌نوع و ...

جاودانگی یا فانی بودن انسان

فطرت‌گرایان انسان را موجودی ابدی می‌دانند که خود حقیقی او هیچ‌گاه نمی‌میرد و تنها در دوران‌های گوناگون زندگی‌اش، از مرکبی بر مرکب دیگر سوار می‌شود. گاه در قالب جسم و تن دنیایی و گاه در قالب جسم برزخی به حیات خویش ادامه می‌دهد. اما طبیعت‌مداران چنین دیدگاهی ندارند و انسان را موجودی فانی می‌دانند، که با مرگ به عدم و نیستی می‌پیوندد و تمام می‌شود. قطعاً کسی که می‌داند، موجودی ابدی است و حیاتی جاودانه دارد، با کسی که می‌داند پس از عمری تلاش و زحمت، همه دستاوردهای خود را از دست داده و نابود خواهد شد، تفاوت بسیاری دارد. این تفاوت تأثیر مستقیمی بر افکار، رفتار، انتخاب‌ها و ارتباطات هر یک از این دو گروه خواهد داشت.

حقیقت وجود انسان

از دیدگاه طبیعت‌گرایان، همه حقیقت انسان، همین بدن جسمانی است، که یا زن است یا مرد و نیازهایی اعم از غذا، پوشاک، مسکن، کار، تفریح، کسب علم، شهرت، ازدواج، تشکیل خانواده، مسکن‌گزینی و... دارد، که همگی باید تأمین شوند تا او طعم شادی و آرامش را در زندگی بچشد. اما در نگاه فطرت‌گرایان، حقیقت انسان نه زن است و نه مرد؛ نه مادر است و نه پدر، نه استاد است و نه شاگرد و نه تنها بدین جهت در قالب مادی و دنیایی آمده، تا از آن مانند ابزاری در خدمت به من حقیقی و انسانی خود استفاده کند. نیازهای حقیقی‌اش را برای یک زندگی ابدی و جاودانه فراهم کرده و در نهایت نیز به جایگاه اصلی خود بازگردد.

هدف زندگی انسان

طبیعت گرایان نقطه آغاز و پایان زندگی را محدود به همین دنیا و عمر زمینی می دانند، اصالت و حقیقت را در وجودشان به جسم و نیازهای جسم تخصیص می دهند، همه آرمان ها و اهداف آنها نیز در همین محدوده و در برآورده کردن نیازهای بعد حیوانی وجود خلاصه می شود. گفتیم که با نگاه ریزبینانه حتی اهدافی مانند؛ خدمت به هم نوعان، رسیدن به مقام و شهرت، کسب علم و دانش، اکتشاف، اختراع، رشد معلومات و تولید علم نیز می توانند در زمره اهداف بخش حیوانی قرار گیرند. اما فطرت گرایان که انسان را به سبب حقیقت نفس و حضور نفخه الهی، موجودی ابدی می دانند، اهداف خود را هم به همین بلندا تعریف می کنند. در واقع از منظر فطرت گرایان مهم ترین اهداف انسان برآوردن نیازهای من حقیقی، تولد سالم به برزخ و رسیدن به غایت نهایی انسان است.

حریت و محدودیت انسان

همه ما قبل از آمدن به این دنیا، طعم بی نهایت بودن را چشیده ایم و می خواهیم به همان اصل خود برگردیم، در نتیجه میل به بی نهایت و عدم پذیرش محدودیت در همه ما یکسان است. اما نوع نگاهی که به موضوع بی نهایت طلبی می شود، در منظر طبیعت گرایان و فطرت گرایان متفاوت است. طبیعت گرایان میل به بی نهایت را محدود به نیازهای مادی و دنیایی خود می بینند؛ در رسیدن به خواسته های دنیایی خود و در پی کسب مراتب بالاتر، مدام از شاخه ای به شاخه دیگر می روند. و از آنجا که با ابزار مادی و محدود دنیا در صدد پاسخگویی به این میل نامحدود و غیرمادی هستند، دلزده و مضطرب می شوند.

اما فطرت‌گرایان که منشأ میل بی‌نهایت‌طلبی خود را امری غیرمادی و فطری می‌دانند، پاسخ به این میل را در حیطة قوه فوق‌عقل خود دانسته و به میل بی‌نهایت‌طلبی‌شان در جایگاهی صحیح و مناسب پاسخ می‌دهند؛ در نتیجه به جای اضطراب و افسردگی، به شادی و آرامش می‌رسند.

سعادت و شقاوت انسان

طبیعت‌گرایان همه سعادت، عزت، شادی و آرامش انسان را در رسیدن به خواسته‌های مادی، بهره‌مندی از لذت‌های گوناگون، تبعیت از غریزه و برخورداری از بهترین امکانات موجود به هر قیمتی می‌بینند. آنها کسی را خوشبخت می‌دانند که ظاهر زیباتر، پول، قدرت، شهرت و نهایتاً علم بیشتر و بالاتری از دیگران داشته و در این دنیا از نعمت‌های بیشتری برخوردار باشد.

در حالی که فطرت‌گرایان، خوشبختی حقیقی و شادی و آرامش را در اتصال به کمال مطلق و لذت‌هایی جستجو می‌کنند، که ابدی و تمام‌نشدنی هستند. آنها با این که بهره‌مندی معقول از تمام لذت‌های طبیعی دنیا را حق انسان می‌دانند، اما این بهره‌مندی را در چهارچوب قوانینی تعریف می‌کنند، که خدشه‌ای به خوشبختی و سعادت ابدی‌شان وارد نیاید.

به طور خلاصه، دیدگاه فطرت‌گرایان و طبیعت‌گرایان درباره انسان از جهات زیر قابل تأمل است:

دیدگاه طبیعت‌گرایان	دیدگاه فطرت‌گرایان	
محدود به دنیا	ابدی و جاودانه	عمر انسان
زن یا مرد با نیازهای خاص خود	نه زن است نه مرد	حقیقت وجود انسان
تأمین نیازهای طبیعی	تشابه به الله و کمال مطلق	هدف زندگی انسان
تابع و مطیع خواسته‌های نفسانی	تابع و مطیع قوانین الهی	حریت یا محدودیت انسان
تأمین لذت‌های بخش حیوانی	اتصال به کمال مطلق و برآوردن نیازهای من حقیقی	سعادت و شقاوت انسان

اگر مایلید که در مورد ضرورت انسان‌شناسی بیشتر بدانید، مقاله‌ی چرا باید خود را به عنوان یک انسان معنا کنیم؟ به شما در این زمینه کمک خواهد کرد.